

کردستان

دمکراسی
برای
ایران

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۱۶۷ آبانماه ۱۳۶۹، نوامبر ۱۹۹۰ ۵۰ ریال

یادی از انقلاب اکتبر

شانزدهم آبانماه ۱۳۶۹ ، روسه گذشت . اولین انقلاب
مصادف با ۷ نوامبر ۱۹۹۰ سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷
(۲۵ اکتبر مطابق تقویم میلادی در روسیه) تنزاری با
قدیم روسه) هفتاد و سه سال از انقلاب سوسیالیستی
سرنگونی نظام پادشاهی تزارو
جایگزینی یک سیستم شورایی

در آن کشور، یک بار برای
همیشه استثمار انسان بدست
انسان پایان برسد و آزادی
دمکراسی و احترام به شخصیت
انسان در جامعه حکمفرما
گردد.

در واقع هم، حکومت
شوراها در سالهای اولیه،
استقرار خود، نمونه مطلوبی
ارائه داد و جنب و جوش
آزادخواهانه وسیعی را جهت
۲

نگاهی به زمینه‌ها و

نتایج سفر گالیندوپیل

آقای ریئالدو گالیندوپیل
نماینده ویژه کمیسیون حقوق
بشر سازمان ملل متحد سفر
دوم خود به ایران را در مهر
ماه امسال انجام داد.

گالیندوپیل که یک وکیل
السالوادوری است شش سال پیش
به عنوان بازرس ویژه کمیسیون
۴

جنبش کردستان و مبارزه توده های مردم

۷

مبارزه ضد استکباری به شیوه آخوندها!

۹

دو گذشت دو شاعر محبوب خالقی

۱۱

اطلاعیه برگزاری پلنوم

پاییزی کمیته مرکزی حزب

با خوشوقتی اعلام مودارد
که کمیته مرکزی حزب
دمکرات کردستان ایران در
فاصله دوازدهم تا بیست و
یکم آبانماه جاری پلنوم
پاییزی خود را برگزار کرده
است .

پلنوم بنابر سنت معمول
با یاد شهیدان راه آزادی
بخصوص شهیدان حزب در فاصله
بین این پلنوم و پلنوم
قبلی کار خود را آغاز
کرد و در بخش نخست به
استماع گزارش مسدولان
کمیته ها و بخشهای حزبی
پرداخت . واقع بینانی و
صراحتی که در تقدیرم
گزارشها و گفتگو پیرامون
این گزارشها بکار رفت
موجب شد که وضعیت عمومی
حزب از جنبه های گوناگون با
دقت کافی روشن گردد و مورد
ارزیابی قرار گیرد .

پلنوم سپس به بررسی
اوضاع سیاسی جهان ، و ویژه
۲

یادی از انقلاب اکتبر

بقیه از صفحه اول

که پیام سوسیالیزم و دفاع از طبقه کارگر در شماری از کشورهای جهان پایه عرصه وجود گذاشتند و همگی هم سیستم اتحاد جماهیر شوروی را الگوی خود قرار داده بودند، هر نوع تفکری جدا از تفکر دست اندرکاران و پیروان نظرات شخص دیراول حزب فرمانروا که در عین حال رئیس حکومت نیز بود، به مثابه نوکری بیگانه برای امپریالیزم تلقی میگردید و ضمن مقابله شدید با آن با مجازات سنگین رویرو میشد. بیخود نیست که هنوز هم یاد جنایات دوران استالین و جدان آدمی رادر سراسر جهان شکان داده و آزار میدهد.

طلب آزادیهای سیاسی در همه کشورهای سوسیالیستی و پیروان در اتحاد شوروی چنان وضعی را بوجود آورده بود که توده های مردم از بیم مجازات مرگ، زندان و شکنجه ناچار بودند وضع موجود را بگردن نهند و در نتیجه این وضع کارگزاران نه تنها شواستند به دیکتاتوری خود ادامه دهند، بلکه گستاخانه تمام "دمکراسی ظفی" نیز بر آن نهند و این شبهه از تطبیق

رهایی از چنگ استعمار و حکومت های مستبد و مرتجع در جهان براه انداخته تمامدقی نبود که چند دهه پس از انقلاب اکتبر، حکومت سوسیالیستی در بسیاری از کشورهای دیگر بر سر کار آمد و سوسیالیزم عملاً به یک سیستم جهانی تبدیل شده. سیستمی که امپریالیزم و نیروهای سرکوبگر آن را رقیب سرسخت خود دانستند و همه امکانات خود را جهت مقابله با آن بکار گرفتند.

اما متأسفانه طولی نکشید که سوسیالیزم از اهداف انسانی و مثنی آزادی و دموکراسی خود به انحراف کشیده شده، نکیه بیش از حد بر چیزی که نام آن را دیکتاتوری پرولتاریا نهاده بودند، راه را برای استقرار حکومت استبدادی گشود. بقول شهید کبیر دکتر قاسملو، دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری حزب کمونیست تبدیل شده، دیکتاتوری حزب کمونیست به دیکتاتوری کمیته مرکزی، دیکتاتوری دفتر سیاسی و دیکتاتوری دفتر سیاسی به دیکتاتوری دیراول مبدل گردید.

در این حکومت های دیکتاتوری

اطلاعیه برگزاری پلنوم پاییزی

کمیته مرکزی حزب

بقیه از صفحه اول

منطقه بحرانی خاورمیانه و وضع رژیم آخوندی ایران برداخت و سعی کرد که خطوط اصلی و مهم فعالیت حزب را در رابطه با وضع کنونی و دورنمای آینده تا حد امکان ترسیم نماید.

پخش سوم دستور کار پلنوم به بحث درباره تهیه مقدمات کنگره نهم حزب که بنابر اساسنامه بایستی در سال جاری برگزار گردد اختصاص داشت. پلنوم در این مورد نیز تصمیمات لازم را اتخاذ نمود و رهنمودهای کافی به کمیته آماده کردن کنگره داد.

سرانجام پلنوم پس از بحث درباره بعضی از مهمترین مسائل جاری حزب و تصمیم گیریهای لازم، و تعیین دستور کار آینده به کار خود پایان داد و شرکت کنندگان در آن با ایمان به پیروزی جهت اجرای تصمیمات پلنوم و انجام وظائف خویش به سطهای کار و فعالیت خود بازگشتند.

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کوردستان ایران
بست و سوم آبانماه ۱۳۶۹



سوسیالیستی را يك نظام ایده‌ال بشریت قلمداد کنند ، باوجوداین ، وضع موجود نمیتوانست برای همیشه ادامه یابد و توده‌های بحان آمده از دست ظلم و جور نمی‌توانستند همچنان خاموش بنشینند ، چنین بود که در سالهای ۵۶-۱۹۵۳ در محارستان و در سال ۱۹۶۸ در جکسلواکی یک جنبش نوخواهی علیه دیکتاتوری و جهت بهبود وضع اقتصادی شروع شد که اگر دخالت مستقیم ارتش شوروی نبود ، امید آن مبرفت که بدون آنکه سوسیالیزم مردود شناخته شود ، یک سیستم دمکراتیک و انسانی در آن کشورها مستقر گردد .

نتیجه سیستم خشن حکومتی و بی توجهی به نظر مردم و تمایلات آنها بالاخره بصورت بحرانهای عمیق اقتصادی و اجتماعی درآمد و کشورهای سوسیالیستی را از تغییر و تحول ناگزیر ساخت .

چنین بد است که باید دیکتاتوری حزبی یا " دیکتاتوری پرولتاریا " آنها که از مادرزاده شد همانجا هم به خاک سرده شود ، زیرا از سال ۱۹۸۵ با قدرت گیری میخائیل گورباچوف در اتحاد شوروی ، یک جنبش نوخواهانه و دمکراتیک تحت عنوان گلاسنوست و پرسترویکا در آن کشور سر راه افتاد که کم‌کم راه را برای ایجاد تحولات در همه کشورهای

سوسیالیستی هموار کرد .

در سال ۱۹۸۹ کشورهای سوسیالیستی با تحولات سریع و غیرقابل انتظاری روبرو گردیدند ، در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی قدرت سیاسی از جنگ درازب کمونیست بدرآمده ، بعضی از آنها اقتصاد متمرکز را رها کرده و به اقتصاد بازاری روی آوردند حتی در میان آنها کشوری وجود داشت که در سال ۱۹۹۰ نامش از نقشه جغرافیای جهان محو گردید (جمهوری دمکراتیک آلمان) ، جالب آن بود که بجز رومانی ، در همه کشورهای دیگر ، تحول به شیوه مسالمت آمیز صورت گرفت و تنها در این کشور بود که دیکتاتور بمنظور سرکوب قیام مردم به اسلحه بنیاه برد و در نتیجه به زبان اسلحه به وی پاسخ داده شد و از همان طریق سرنگون گردید .

امسال مراسم جشن هفتاد و سومین سالروز انقلاب اکثر در شرایطی برگزار شد که بجز چند دولت سوسیالیستی مانند چین و کره ، شمالی در آسیا و کوبا در آمریکای لاتین ، بقیه کشورهای سوسیالیستی دچار تحولات عمیقی شده اند و بحث درباره دیکتاتوری پرولتاریا مقوله ای است که بنظر مرشد دیگر باید به کبالتاریخ سرده شود ، تردیدی نیست که این چند دولت باقیمانده نیز نمیتوانند برای همیشه در برابر خواست دمکراتیک

توده‌های مردم استادگی کنند و سرانجام قدرتمندان کنونی با باید آزادیهای دمکراتیک را در کشورهای خود تامین کنند و با بناچار جای خود را به افراد دمکرات و نواندیش بسارند .

واقعیت آن است که امروز سوسیالیزم در برابر آزموون بزرگی قرار دارد که توفیق در آن امر ساده ای نیست . بدان معنی که آیسوسیالیزم میتواند ضمن گسترش آزادی و دمکراسی ، سیستم اقتصادی ویژه خود مبنی بر عدالت اجتماعی را محفوظ دارد ، یا آنکه با رفتن دیکتاتوری پرولتاریا سیستم سوسیالیستی راهم باید به فراموشی سپرد ؟ زیرا واقعیت آنستکه در برخی از کشورهای سوسیالیستی هم اینک هواداران تغییر سیستم اقتصادی سوسیالیستی به سیستم اقتصادی بازار آزاد بسیار فعالند و خواسته خود را نیز آشکارا در میان می‌گذارند ، با این حال به باور ما سوسیالیزم بعنوان تأمین کننده عدالت اجتماعی و اقتصادی هنوز در توانش هست که باسیمای دمکراتیک و انسانی ارائه گردد و در آینده ای نه چندان دور ، ارجحیت خود را بر سیستم سرمایه‌داری ثابت کند ، خوشنودم از اینکه حزب ما ، حزب دمکرات کوردستان ایران ، نزدیک به بیست سال مساله دمکراتیزه کردن



نگاهی به زمینه‌ها و نتایج سفر گالیندویل

بقیه از صفحه اول

حقوق بشر سازمان ملل متحد برای بازدید از ایران برگزیده شد. او مأموریت یافت به ایران سفر کند و درباره وضعیت حقوق بشر در رژیم جمهوری اسلامی که آوازه سعیتها و نقض شدید حقوق بشر در آن در

یادی از انقلاب اکتبر

بقیه از صفحه قبل

جامعه سوسیالیستی را پیش کشیده و در این رابطه در صف مقدم قرار داشته است. بهر حال آینده هرچه باشد و با هر دیدی که به گذشته و حال و آینده کشورهای سوسیالیستی نگریسته شود، چیزی از این واقعیت نمی‌گاهد که انقلاب سوسیالیستی اکتبر، یک رویداد بزرگ تاریخی در قرن بیستم بحساب می‌آید و تاثر خود را بر روشها و رویدادها در همه قاره‌های جهان بجای گذاشته است. به مناسبت هفتاد و سومین سالروز انقلاب اکتبر، تریکسات صمیمانه خود را به خلقهای اتحاد شوروی تقدیم می‌داریم و پیروزی آنها را در حرکت نوخواهانه و دمکراتیکی که آغاز کرده اند، خواستاریم.

همه عالم پیچیده و وجدان بشری را جریحه دار ساخته بود، تحقیق عمل آورد و نتیجه تحقیقات خود را به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش کند.

تا زمانیکه خمینی در قید حیات بود آقای گالیندویل اجازه نیافت به منظور اجرای مأموریتی که به وی محول شده بود به ایران سفر کند.

خمینی در ۱۳ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ مرد وبا مرگ وی

بحرانهای که دامنگیر رژیم حاکم در ایران بود عمیق و وسعت بیشتری یافت. وارثان خمینی به درستی متوجه شدند که در یک کشور منزوی از جامعه جهانی و ایران با اقتصادی درهم ریخته، تنها با توسل به خیره سربهای احمقانه و تشبثات عوامفریبانه به دامن

اسلام و امامان که شیوه خاص خمینی بود، نمیتوانند رژیم خود را از سقوط برهانند. آنان در جستجوی راه نجات به تلاشهایی دست زدند. اما به عرصه دوری گزیدن از شیوه پیشین حکومتگری یعنی حذف دیکتاتوری و انحصار طلبی و گسترش دمکراسی و شامین آزادیهای دمکراتیک به منظور شرکت دادن هرچه بیشتر مردم در امور مربوط به زندگی خود به عوامفریبیهای تازه ای

در سیاستهای داخلی و خارجی روی آورند که فقدان خمینی فرصتهای مناسبی را برای اجرای آنها فراهم آورده بود. رفسنجانی و خامنه ای با اشتیاقی سریع رقابت مذهبی خود را کنار زده و در زمینه سیاست خارجی به منظور خروج از بن بست هایی که در آن گرفتار آمده بودند و طلب کمک و حمایت خارجی کوشیدند. به حکومت متمگران خود ظاهری مطلوب بخشند و سیمای دیگری غیر از آنچه تا آن هنگام در ذهن مردم دنیا از آن نقش بسته بود ارائه دهند.

آخوندها برای آنکه وانمود سازند که اینها را خوانندی پس از مرگ خمینی دیگر همان حکومت قبلی نخواهد بود، بلکه سیاستهای خمینی را رها کرده و راه سازگاری با جامعه بین المللی را در پیش خواهد گرفت در پاییز سال ۱۳۶۸ با مسافرت آقای گالیندویل که منظر اجازه ورود به ایران بود موافقت کردند.

امادرده ماه پیش یعنی اول بهمن ۱۳۶۸ که فرستاده ویژه سازمان ملل متحد بمنظور اجرای وظایف محوله برای اولین بار به ایران سفر کرد و در تهران مستقر گردید، رژیم حاکم خوانندی کوشید آشکار جنایتهای خود، به ویژه در زندانهای کشور را به منظور گمراه ساختن بازرسان ویژه سازمان ملل متحد، از دید

آنها مخفی ساخته و با از بین ببرد. آقای گالیندوییل ده روز در ایران اقامت گزید و در این فاصله بمنظور جمع آوری اطلاعات و ایجاد تماس با زندانیان سیاسی و خانواده های قربانیان جنایات رژیم تلاشهایی بعمل آورد. از آنجا که شناخت درست وضعیت حقوق بشر در ایران و بررسی موارد نقض این حقوق طی ده سال حکومت آخوندی در یک فرصت ده روزه عملی نموده و نیست و با توجه به اینکه تحقیقات تحت مراقبت کارگزاران حکومت آخوندی انجام گرفت و بسیاری از شاکیان در برابر تهدیدات رژیم و ترس از گرفتار شدن به دست درّخیمان آخوندی و با به دلیل تضمینهایی که از آنها گرفته شده بود نتوانستند به هیات مراجعه نمایند. از ابتدا معلوم بود که دامنه تحقیقات نمیتوانست کامل بوده و همه واقعیات جنایات حکومت آخوندها را دربرداشته باشد. علاوه برنارسائیهایی که در زمینه تحقیقات آقای گالیندوییل و همراهانش وجود داشت، گزارش ۷۶ صفحه ای ایشان نیز دارای معایب اساسی بود. بازرسی ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد به هیچوجه تحقیقات خود را به سابقه جنایات و موارد نقض حقوق اتباع ایران درسالهای حاکمیت رژیم آخوندی و نیز به ماهیت ضد انسانی این

رژیم که با کلیه موازین حقوقی مورد قبول جامعه بین المللی امروز در تضاد است توسعه نداد. درحالیکه شناخت از سابقه تاریخی یک پدیده و نیز عنایت به ماهیت و جوهر آن حیثی نیست که در یک بررسی دقیق بتوان از آن چشم پوشی کرد. با همه این احوال گزارش آقای گالیندوییل از نقض حقوق بشر در ایران تحت حکومت آخوندی حکایت می کرد. ولی لحن نرم و محتاطانه گزارش طوری بود که رژیم ضد بشری آخوندها را با کارنامه سیاه و سنگینی مملو از جنایات و نقض حقوق انسان از حالت شرمساری بدر آورده به آن حالت تهاجمی بخشید. بطوریکه به دنبال خروج هیات بازرسی کمیسون حقوق بشر سازمان ملل متحد از ایران و انتشار گزارش آقای گالیندوییل، رژیم و قبحانه ابوزیسیون انقلابی ایران را که در مقابل سرکوب خشن رژیم راهی بجز دفاع از خود برایش باقی نمانده بود، مورد حمله قرار داد و به نقض حقوق بشر منتهم ساخت. این موضع بیشرمانه رژیم از اینجا ناشی بود که به هنگام اقامت آقای گالیندوییل رژیم توانسته بود با کنترل شدید محصل اقامت فرستادگان ویژه ملل متحد تماس شاکیان از حاکمیت را با هیات بازرسی مانع گردد و با ایجاد جو رعنا و هراس

آنان را به سکوت و ادا کند. در مقابل گروههای حزب الهی را که احتمالاً یکی از اعضای خانواده خود را به هنگام ارتکاب جنایت و یا درگیری با مخالفان رژیم از دست داده بودند به راه پیمایی و تجمع در برابر مقر هیات اعزامی کمیسون حقوق بشر وادارد. و با این ترفند توجه هیات را از مسیر مأموریت آن که بررسی وضعیت حقوق بشر و موارد نقض این حقوق توسط جمهوری اسلامی ایران بود منحرف سازد. انتشار گزارش آقای گالیندوییل خشم مخالفان حکومت اسلامی را برانگیخت تا جائیکه وی از سوی بسیاری مورد انتقاد شدید واقع شد و حتی متهم گردید که او وظیفه توحیه اعمال ظالمانه حکومت اسلامی و مطلوب نشان دادن سیاست آن را بعهده گرفته است. در این رابطه گفته میشود که گسترش روابط سیاسی و بازرگانی کشورهای غربی با ایران به دنبال سفر اول گالیندوییل نادیده گرفتن اعمال ستمگرانه و نقض کننده حقوق انسان از سوی این حکومت در داخل و حتم پوشی بر عملیات آشکار تروریستی و ترور مخالفان در خارج و حتی کمک بی پرده به جانیان برای فرار از محازات، این موضع آقای گالیندوییل را توضیح میدهد. البته کسانی هم بودند که باور داشتند که لحن نرم و ملایم گالیندوییل بخاطر امکان



یافتن برای بازگشت به ایران و ادامه تحقیقات وی بوده است. خود می‌تواند تا حدی پروا قوی اکتون ۹ ماه بعد از سفر بودن و مثبت بودن کم و بیش اول آقای گالیندویل سفر این گزارش دلاله کند.

دوم خود رادر مهرماه انجام داده است هدف اعلام شده وی از این سفر تکمیل اطلاعات ناقص قبلی و گزارش آن به نشست آینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد است که در ماه فوریه سال آینده میلادی (پهن ماه سال جاری) در ژنو برگزار خواهد گردید. قابل ذکر است که سفر دوم آقای گالیندویل به ایران برخلاف سفر اول در رسانه‌های عمومی و مطبوعات پارسی گسترده‌ای نداشت و در پی سکوت نسبی انجام گردید زیرا بیعت کمبودهای چشمگیری که در سفر اول ایشان و گزارش وی وجود داشت ارزیابی ایران تقریباً امید خود را به دیدن معجزه‌ای از ایشان امامزاده از دست داده بود و در سطح بین‌المللی هم بحران ظیح و مساله کویکت توجه عمومی را به وضع داخلی ایران حداقل رسانده بود.

اما اکتون که گزارش سفر دوم گالیندویل منتشر شده است بنظر می‌رسد که نامرده سعی کرده است تا حدی نقاط ضعف گزارش اول را جبران کند و به سوار متعدد و آشکار نقص حقوق بشر در حکومت اسلامی ایران اشاره‌های صریح ننماید. اعتراضاتی که تاکنون

از سوی رژیم ایران در مورد این گزارش بعمل آمده است خود می‌تواند تا حدی پروا قوی بودن و مثبت بودن کم و بیش این گزارش دلاله کند.

ما بحث مفصل تر رادر مورد این گزارش به شماره‌های آینده و به هنگامی موکول می‌کنیم که متن آن رادر یافت کرده باشیم. اما لازم می‌دانم از همین اکتون به اعمال قابل توجهی اشاره بکنیم که از سوی آقای گالیندویل و هیات همراه ایشان در هر دو سفر کرده شده است و آن همانست اینک فرستاده ویژه سازمان ملل در هیچیک از سفرهای خود به میان مردمی نرفت که از ملیتهای تحت ستم در ایران محسوب میشوند تا تصویری ولو اندک از رنجهای انسانی آنها را داشته باشد و از تریبون یک مرجع صلاحیتدار جهانی فریاد مظلومت میلیونها انسان ست مدیده را که به خاطر خوارستهای انسانی خود مورد شدیدترین آزارها از سوی جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند به سمع جهانیان برساند.

مردم کردستان ایران یکی از این خلقهای تحت ستم است که سالهای درازی است بخاطر کسب حقوق ملی خود در مبارزه است و به این خاطر از طرف مسؤولیت آن شانه خالی حاکمان ستمگر سوئزه از طرف کرده است. این بار که رژیم جمهوری اسلامی مسجورد بازارسان ویژه حقوق بشر سازمان شدیدترین ستمگریها است. از زمان روی کار آمدن رژیم

آخوندها تاکنون در این منطقه قانون جنگل حاکم بوده و جنگی فد انسانی به مردم کردستان تحمیل گردیده است. در این مدت صدها شهر و روستای آن مورد اصابت بمب و راکت قرار گرفته جمعیت دهها روستای آن از زن و مردن خردوکلان بیرحمانه از دم تیغ عاملان سنگدل ارتجاع گذشته اند، ساکنین این منطقه به بهانه‌های مختلف مورد اهانت، تعقیب، زندان، شکنجه و اعدام قرار می‌گیرند، امنیت آنان سلب و حقوق انسانی آنها نقض می‌شود. حال آنکه فریادشان هم بجایی نرسید.

در حال از قدیم گفته اند حقیقت را برای همیشه نمیتوان پنهان داشت. خوی ضد انسانی حاکمان آخوندکی در ایران چیزی نیست که از نظر کسی از هموطنان ما پوشیده مانده باشد و نیز این حقیقت بر بیشتر مردم دنیا هم آشکار است. چراکه بارها سازمانهای دفاع از حقوق بشر از موارد گوناگون نقض این حقوق در ایران سخن گفته اند، اما جمهوری اسلامی با وقاحت خاص خود هر بار اینگونه از این خوارها را نشانی از دشمنی که سالهای درازی است بخاطر کسب حقوق ملی خود در مبارزه است و به این خاطر از طرف مسؤولیت آن شانه خالی حاکمان ستمگر سوئزه از طرف کرده است. این بار که رژیم جمهوری اسلامی مسجورد بازارسان ویژه حقوق بشر سازمان شدیدترین ستمگریها است. از زمان روی کار آمدن رژیم

جنگی که یازده سال است رژیم آخوندی برزقمان تحمیل کرده و در نتیجه بحران اقتصادی و اجتماعی فعلی که سراسر ایران را فرا گرفته ، بخش بسیار بیشتری از مردم کردستان دچار محرومیت و فقر شده اند . از این رو طبیعی است که مردم به هر طریق ممکن بر رژیم فشار وارد آورند تا به مسئولیت خود در قبال آنان عمل کند .

میلیتاریزه کردن شهرها ، روستاها و مسیر جاده ها ، سیاست سرکوب و خفقان ، کسوف دادن اصاری ، سلب امنیت و آسایش مردم توسط گروه های گوناگون سرکوب ، تحمیل فرهنگ ارتجاعی آخوندی و عدم رعایت حقوق ابتدایی انسانی توسط دستگاه پلیسی رژیم ، مردم شهرها و روستاهای کردستان را به جان آورده است . بنابراین توده های مردم باید با تکیه به روشهای متنوع ، تارضایی و انزجار خود را از سیاست رژیم و اعمال مزدورانش ایران داشته و بتدریج آن را به عقب نشینی وادار کنند .

در نتیجه بهیچ نامگی رژیم در بخش کشاورزی و دامداری (تولید نباتی و حیوانی) عده زیادی از ده نشینان به شهرها کوچیده و به سیاه زحمتکشان فقیر و تنگدست پیوسته اند . هم اکنون اکثریت قابل توجهی از جمعیت شهرها را زحمتکشانی

مبارزه سیاسی در کردستان تحت رهبری حزب ما در جریان است و کردستان به سنگر دفاع از آزادی تبدیل شده ، از این امر سرچشمه میگیرد که از طرفی رژیم ضد خلقی آخوندی با تحمیل دیکتاتوری

آزادی ، دمکراسی و خودمختاری بعنوان آرمانهای اساسی جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرده سرلوحه مبارزه توده های مردم کردستانند ، اما در عین حال مبارزه روزمره

جنبش کردستان و مبارزه توده های مردم

و در پیش گرفتن سیاست سرکوب و خفقان راه هرگونه فعالیت مسالمت آمیز سیاسی را بر نیروهای سیاسی سد کرده و به دلیل پورشهای سرکوبگرانه به خلق کرد ، حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر نیرو - های سیاسی در جنبش کردستان را مجبور کرده است دست به اسلحه بزنند . از طرف دیگر مردم کردستان به دلیل سوابق مبارزاتی و وضع جغرافیایی ، منطقه قدرت و ظرفیت ادامه و پیشبرد نبرد مسلحانه را دارا هستند . اما این بدان معنا نیست که مبارزه مسالمت آمیز توده های مردم در جنبش انقلابی کردستان رل مهمی ندارد . انقلاب امر شده های مردم است و خواسته های مردم کردستان نیز بصورت ها و شیوه های گوناگون در جنبش کردستان خودنمایی می کند .

اصولاً کردستان در همه عرصه ها در عقب ماندگی ننگه داشته شده است . علاوه بدلیل

طبقات و اقشار مین پرسست و زحمتکش برای دست یافتن به خواسته های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی و منظور تامین منافع طبقاتی و صنفی بعد دیگری از مبارزه توده های آگاه را تشکیل می دهد که با شعارها و مطالبات عمومی جنبش کردستان به هم گره خورده است . این امر سبب گردیده که جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرده به جنبشی فراگیر بدل شود و انگرژی و توان طبقات و اقشار دمکراتیک جامعه را در خود گرد آورده و از اشکال متنوع مبارزه بهره بجوید .

بدیهی است که بنا به شرایط کلی جنبش هر بار یکی از اشکال مبارزه ، شیوه محوری خود می گیرد و دیگر اشکال مبارزه در جهت تقویت ، گسترش و پیشبرد آن شیوه بکار گرفته میشوند . اینکه بیش از یازده سال است که مبارزه مسلحانه به عنوان عالیترین شکل



تشکیل می‌دهند که گرانی ، تورم و بیکاری و نبود مسکن و امکانات زندگی کمرششان را دولا کرده است . رژیم نیز نه تنها توجهی به شرایط سخت زندگی آنها ندارد و جهت تهیه مایحتاج آنان اقدامی جدی نمی‌کند ، بلکه شیوه‌های گوناگون آنان را تحت فشار بیشتر قرار می‌دهد . از اینرو زحمتکشان ناچار باستی مطالبات خود را مطرح کرده و از رژیم بخواهند کار مسکن و مایحتاج آنان را تامین نماید . و از راه اعتصاب ، تظاهرات و تشکیل گروه‌های آیی و دیگر شیوه‌ها ، خواسته‌های خود را به رژیم تحمیل کنند .

اکثر ده‌نشینان کم زمین و یا از خوش‌نشینان بهره‌مندان آن عده از دهقانان نیز که صاحب قطعه زمین هستند از امکانات مدرن کشاورزی برای تولید محرومند . علاوه بر اینها اکثر روستاها فاقد مراکز درمانی ، مدرسه و آب و برق و جاده‌های مناسبند . در رابطه با این مسائل ، روستائیان فاقد زمین و کم زمین بایستی خواستار زمین برای خود شوند و دهقانان صاحب زمین نیز امکانات مدرن کشاورزی را از رژیم بخواهند که در روستاهایشان مدرسه ، درمانگاه و دیگر امکانات رفاهی ایجاد کند ، اینها همگی خواسته‌هایی روا و عادلانه اند و می‌توان آنها را در ادامه مبارزه مستمر

و بی‌وقفه بر رژیم آخوندی تحمیل کرد .

کارمندان ، کارگران ، معلمین ، زنان ، جوانان ، دانش‌آموزان ، دانشجویان و دیگر اقشار و طبقات دمکراتیک هم هر یک به سهم خود با مشکلات و معضلات مختص به خود دست به‌گریبانند . کارگران در کارخانه‌ها ، کارگاهها و کوره‌های آجرپزی و دیگر مراکز کارگری بایستی برای افزایش دستمزدها و تقلیل ساعات کار و بهبود شرایط کار و نیز تامین مسکن و ایجاد سدیگاههای مستقل مبارزه کنند و نیرو و توان خود را به رژیم نشان دهند . کارمندان و معلمین بایستی برای افزایش حقوق و تامین شرایط مناسب کاری مبارزه کنند و با بهره‌گیری از شیوه‌های ممکن صدای اعتراضات و پیام مبارزه خود را به گوش همگان برسانند و به منظور قبولاندن خواسته‌های خود به حاکمیت تلاش ورزند . زنان باید علیه سیاست ارتجاعی رژیم نسبت به آنان بطور کلی و ویژه علیه حجاب اجباری و تحقیر و بی‌احترامی مبارزه کرده و با اعتراض علیه رژیم ، آن را وادار به تجدید نظر در سیاست خود نسبت به زنان بنمایند . جوانان ، محصلین و دانشجویان لازم است که به منظور قبولاندن خواسته‌هایشان به رژیم ، همچون تامین امکانات تحصیل و ادامه آن ، ایجاد

بنیاد و نهادهای ورزشی ، فرهنگی ، تفریحات سالم و دیگر نیازهای مادی و معنوی مبارزه کنند و بهر شیوه ممکن در مدارس ، دانشگاهها و مراکز دیگر رژیم را زیر فشار بگذارند تا در راستیای خواسته‌های آنان اقدامات لازم را به عمل آورد .

بسیبی است از اقشار و طبقات مردم بمنظور تحقق خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی خویش پیوسته مبارزه کرده‌اند . اما اکنون که جنگ ایران و عراق به پایان رسیده و دوران به اصطلاح بازسازی فرارسیده است ، رژیم دیگر هیچ بهانه‌ای بمنظور سر باز زدن از تامین خواسته‌های مردم ندارد . از اینرو بایستی مبارزه را وسیع تر و فراگیرتر نمود و بیش از پیش بر مطرح نمودن درخواستها با فشاری کرد .

البته رژیم به طرق گوناگون ، از سرکوب شدید گرفته تا مانور و تبلیغات عوام‌فریبانه می‌کوشد که مبارزه متوده‌های مردم را درهم شکند و با آن را منحرف نموده و از سیاسی شدن آن جلوگیری نماید . اما مبارزه هماهنگ و متحد و با برنامه همراه با استمرار بالاخره می‌تواند پیروز گردد و رژیم را بزانو درآورد .

همین امر که کردستان یکی از نقاط انقلاب و کانون سیاسی و پیشرو ایران باقیمانده و



مبارزه ضد استکباری به شیوه آخوندها!

سیزدهم آبان ماه سال ۱۳۵۸، رژیم جمهوری اسلامی نمایش مسخره آمیزی به صحنه آورد و نام "انقلاب" لانه جاسوسی آمریکا را بر آن نهاد. نمایش با محاصره و اشغال سفارتخانه آمریکا در تهران آغاز و به زندانی کردن ۵۲ تن از کارمندان و کارکنان آن منجر شد. در ابتدای کار دستگاههای رسمی حکومت، خود را با این نمایش بیارتباط دانسته و آن را به "دانشجویان بیروخط امام" نسبت دادند. و این درحالی بود که هم رسانه های خبری رژیم ضمن تایید این اقدام با آب و تاب هرچه تمامتر اخبار مربوط به آن را پخش می کردند و

هم دست اندرکاران رژیم خشنودی خود از این اقدام پنهان نمی کردند. بعدها ناچار شد رسماً اعلام نماید که کار دانشجویان را تایید میکند و حتی گفت رسیدگی به کار گروگانها را خود در دست گرفته است.

در مدت ۱۴ ماهی که اعضای سفارت آمریکا به عنوان گروگان نگاه داشته شده بودند رژیم آخوندی با جاروجنجال فراوان و هیاهوی بسیار این گروگانگیری را "اقدام انقلابی" و "مسدود امپریالیستی" علیه "آمریکای جهانخوار" و "شیطان بزرگ" قلمداد میکرد و بدینوسیله خود را پرچمدار مبارزه بحاضر

رهایی از سلطه امپریالیسم معرفی می کرد. هرچند در آن زمان مشخص نبود مرکز تصمیم گیری در حکومت آخوندی علاوه بر خمینی چه کسی است و کجا است لیکن مطالباتی را که مقامات رژیم از خمینی گرفته تا افراد پایین تر در موارد مختلف مطرح می ساختند و آن را به عنوان خواسته هایی در برابر آزادی گروگانها پیش می کشیدند عبارت بود از: تعهد آمریکا مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی ایران، اعاده ثروت و داراییهای شاه سابق که به آمریکا برده شده بود، آزاد کردن سرمایه های ارزی ایران که در ایالات متحده بلوکه شده بود و بالاخره لغو تحریم اقتصادی علیه ایران. بدیهی است هم این خواسته ها وهم فیل و قالهایی که رژیم پیرامون این مساله

بقیه از صفحه قبل

هنوز رژیم نشوانسته است در میان مردم آن، پایگاه اجتماعی برای خود کسب کند. حاکی از این واقعیت که افق مبارزه روشن است و حرکت های اعتراضی میتواند رژیم را عقب نشینی وادارد و بتدریج طلسم سرکوب و ظفکان را درهم شکنند. کوتاه سخن اگر امروزه کوهها و روستاهای کردستان میدان اصلی نبرد مسلحانه اند، شهرها، کوره های آجرپزی،

بازارها، محلات فقیرنشین، مدارس، دانشگاهها، مراکز ورزشی و کلاً اماکن عمومی بایستی به میدان وسیع اعتراضات و مبارزات مردم علیه رژیم بدل گردند. مبارزه عمومی مردم در شهرها بایستی بیش از پیش درهم آمیزد و به عنوان نیروی محرکه جهت رسیدن به آرمانهای جنبش یعنی تحقق دمکراسی و خودمختاری و پیشرفت همه جانبه جامعه، در نظر گرفته شود. پیکار چند ساله اخیر و تجارب جنبش آزادیخواهان،

مردم کردستان و مقاومت عمومی علیه رژیم آخوندی، آگاهی سیاسی و اجتماعی و توان پیکارجویی توده های مردم کردستان را روز بروز ارتقا بخشیده است. جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد براساس این واقعیات عینی است که شکوفا شده و در کوره مبارزه و مقاومت آبدیده شده و به این مرحله رسیده است. در پرتو چنین واقعیاتی است که افق پیشرفت و اعتلای آن این همه امیدوار کننده به نظر میرسد.

براه انداخت تنها شکل ظاهری قضیه بودند و اهداف یاطنسی رژیم از این اقدام غیر عادی مسائل دیگری بوده در واقع بیشتر شروطی را که رژیم در قبال آزادی گروگانها پیش کشده خود تحصیل حاصل بودند. بعنوان مثال تنها یکی از به گروگان گرفتن اعضای سفارت آمریکا بود که سرمایه های ارزی ایران در آمریکا بلوکه شدند و کشورهای غرب بعنوان همگامی با آمریکا در محاصره اقتصادی ایران شرکت کردند.

راستی آن است که عوامفریبی ها و دغلکاری های رژیم آخوندی به مثابه اهرمهایی بکار گرفته شدند که آخوندها توانستند بوسیله آنها بخش بزرگی از توده های مردم و حتی بعضی از سازمانهای سیاسی را بدنبال خود بکشند و بدین وسله پایه های قدرت خود را استحکام بخشند. به دیگر سخن اگر بپذیریم که هدف رژیم از اقدام گروگان گیری دست یافتن به منافع کوتاه مدت و تحریک و تحمیق توده های نا آگاه بوده است انصافاً باید پذیرفت که رژیم آخوندی از این اقدام پیروزیهای شایانی کسب کرده يك دست کردن نمایندگان مجلس شورای ملی (اسلامی) و حذف اسامی مخالفین از لیست کاندیداها ، تهییج مردم جهت شرکت در referendum

اساسی کذابی و به تصویب رساندن آن ، اعمال فشار شدید بر گروهها و سازمانهای سیاسی مترقی و مستقل به منظور بیرون راندن آنها از میدان مبارزه و سر باز زدن از تحقق خواسته های مشروع توده ها نمونه هایی از این موفقیتها بودند.

لیکن اگر آن سوی قضیه را بنگریم و با را از محدوده موفقیتهای کوتاه مدت رژیم فراتر بنهیم ، درمی یابیم که حکومت آخوندی نتوانست از این اقدام سودی حاصل بکند. در نتیجه این عمل غیر اصولی و نابخردانه بود که افکار عمومی جهان علیه رژیم بسیج شد و اکثر کشورهای دنیا آن را به شدت تحریم کردند. محاصره اقتصادی جهان ضربه هایی بر بیکر رژیم وارد آورد که هنوز نتوانسته است آثار مخرب آن را از سن بسرد. رژیم به عنوان يك حکومت غیرمسئول و ضد خلقی به جهانیان معرفی گردید و بدین ترتیب حکومتی که بعد از پیروزی انقلاب به قدرت رسیده بود ، هر روز اعتبار خود را بیشتر از دست داد. در سطح داخلی هم اقدام گروگانگیری رژیم، توده های آگاه و سازمانهای پیشرو را هوشیار کرد که نجات آخوندها را بهتر درک کرده و خود را برای رویارویی بیشتر با آن آماده کنند. هر چند در اوایل بودند افرادی که از این اقدام پشتیبانی کردند، ولی بعدها

بسی بردند که این کار ناشایست چه زیانهای به منافع مردم ایران وارد کرده است و در نتیجه به شدت از رژیم آخوندی روی گردانند.

ببینیم " مبارزه " ای را که رژیم با " اشغال لانه جاسوسی آمریکا " علیه " شیطان بزرگ " و " استعمار جهانی " آغاز کرد به کجا انجامیده است . رژیم ربا و تزویر پزانه سرشت عوامفریبانه خود روز ۱۳ آبان را " روز ملی مبارزه با استعمار جهانی " نام گذاری کرده است . کارگزاران رژیم چنین وانمود می کنند که مبارزه آنها با استعمار آشتی ناپذیر است و سر آغاز این مبارزه هم روز گروگان گرفتن ۵۲ تن از اعضای سفارتخانه يك کشور خارجی میباشد. اما اگر این ادعای رژیم راست است و آخوندها در مبارزه خود علیه استعمار واقعا بیگنر و بی ابراهستند . باید پرسد که اکنون رژیم جمهوری اسلامی در کجا قرار گرفته است و بیوندهای مالی و اقتصادی آن با کدام کشورها گره خورده است؟ آیا بند و بستهای بینالمللی چند ساله با آمریکا که به ساله " تحکیم " برانگیختن ایران - کنتررا منتهی شده یا خرید اسلحه و مهمات از اسرائیل و آمریکا، نمیتوانند نشانه های کوچکی دال بر دروغگویی آشکار رژیم در این بقیه در صفحه ۱۴

دوگذشت دو شاعر محبوب خلق

پاییز، آن عروس زرد چهره و ریجیده خاطر که ادیبان و هنرمندان آنرا افول ستاره، عمر گل و برهه جدایی و اندوه میمانند، امسال نیز دو گل از گلزار ادب و هنر کردی را پریر نمود. دو گل که هریک از آنها رایحه و زیبایی ویژه خود را داشتند و زینت بخش این گلزار بشمار می آمدند در ۱۷ مهرماه امسال

— برابر با ۹ اکتبر ۱۹۹۰ — قلب شاعرو روزنامه نگار توانای کردستان "کاکه‌ی فلاح" از تپش باز ایستاد. "کاکه‌ی فلاح" یا محمد محمد امین قادر در سال ۱۹۲۸ میلادی در منطقه "شاریزیر" کردستان عراق در شهرک "جوارتا" در خانواده‌ای بی‌صاعت دیده به جهان گشود و وی آموزش ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساند و سپس جهت ادامه تحصیل به شهر سلیمانیه رفت. از همگان او آن کودکی به شعر و شاعری علاقه‌مند شد و هنگامیکه در سلیمانیه به تحصیل ادامه می‌داد، به سیاست روی آورد و در فعالیت‌های ادبی اتحادیه دانش آموزان شرکت نمود.

کاکه‌ی فلاح که از نزدیک شاهد استعمار برزگران منطقه "شاریزیر" توسط بیگدها و فئودالها بود، فریاد و

درد و رنجهای آنانرا خمیرمایه شعرهایش کرد و بدین ترتیب از همان اوان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود، اردوی استعمارشدگان و محرومین سرزمین خود را جهت یکبارو رزم برگزید.

جوهر خداستماری اشعار کاکه‌ی فلاح و شرکت او در جنبش مرفقی - میهنی مردم سلیمانیه و ویژه حضور او در قیام بهمن ماه ۱۹۴۸ این شهر، موجب شد که "کاکه‌ی فلاح" آماج نفرت و عناد حکومت وقت عراق قرار گیرد و امکان ادامه تحصیل از او سلب شود. ابتدا به یک سال حبس و یک سال تبعید محکوم شد. از آن پس به فعالیت مخفی روی آورد. پس از چند سالی فعالیت مخفی، مجدداً بازداشت و اینبار به پنج سال زندان و سه سال تبعید محکوم گردید.

— انجام کاکه‌ی فلاح ناچار شد از فعالیت سیاسی دست بشوید و همه توان خود را در زمینه ادب و روزنامه‌نگاری بکارگیرد. پس از سال ۱۹۷۰ و در پی تلاش‌های مستمر، بالاخره امیاز چاپ و نشر روزنامه "ژین" (زندگی) را کسب نمود. آنگاه چاپخانه‌ای بنام خود در شهر سلیمانیه تاسیس کرد و بمدت ۴ سال به

انتشار روزنامه "ژین" ادامه داد.

اشعار کاکه‌ی فلاح از چند جنبه قابل توجه‌اند. وی از نظر سبک ادبی، عمدتاً متمایل به مکتب رئالیسم است. از نظر محتوا نیز اهمیت ویژه‌ای برای مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خویش قایل است. عشق، میهن پرستی و مقاومت و مبارزه علیه استعمار و ستم ملی خمیرمایه اشعار او هستند. هم از اینرو بخش‌گشیری از اشعارش علاوه بر اینکه تمویز واضحی از زندگی و آلام جامعه کردستان، در عین حال مشوق و راهنمای راه سعادت و رستگاری بشران محسنت و رستگاری می‌باشند. کاکه‌ی فلاح شاعر کودکان نیز بود. او که به امر پرورش و بار آوردن نسل نهالان جامعه‌اش اهمیت ویژه‌ای می‌داد، چند مجموعه شعری را بزبان روان و قابل فهم برای کودکان سرود و بخشی از متون ادبی ویژه کودکان را به زبان کردی ترجمه نمود. شاعر در قالب این اشعار فرزندان و نونهالان کرد را با مهرپس و والدین، آموزگاران، کتاب، مدرسه، خلق و میهن آشنا می‌نمود. روح ستیز با ظلم و ستمکاری و استعمار و عشق به آشتی و صلح و انسان دوستی و آزادی را در پیگر آنان می‌دید.

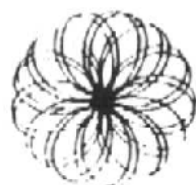
از نقطه نظر فعالیت‌های

بای درزنجیر و سرود صالح شرکت کنندگان درکنگره صالح وین را درگوشمان رمزمه میکند.

بدون شك بسیارند کسانی که صالح دیلان را نه از طریق اشعارش، بلکه از راه لحن سحرانگیز سرودها و آوازه‌هایش می‌شناسند. سرودها و آوازه‌هایی که دیلان هرمنند آنان را سرداده، بیانگر بُعد دیگری از استعداد هنری این هنرمند درخشان است. دیلان در آوازه‌هایش طبیعت، جهان شعر، سرانه، عشق و محبت و زیبایی را در دل شنوندگانش دوست داشتنی‌تر می‌نماید و با سرودهایش فرزندان طلق را به بیکار جهت فروباشیدن کوشک ضحاکان فرامی‌خواند.

ما به مناسبت فقیدان ملال آور کاکه‌ی فلاح و صالح - دیلان، شاعر و هنرمند محبوب ظقمان، مراتب تسلیت گرم خود را به خانواده‌ها و بستگان آنان، و شاعران و هنرمندان کردستان تقدیم نموده و خود را درغم و اندوه آنان سهم می‌دانیم.

خاودان باد خاطره کاکه‌ی فلاح و صالح دیلان و همه خادمان هنر و ادب کوردی.



سلیمانیه چشم به جهان گشود. پدروی ملا احمد دیلان انسانی فاضل و شعر دوست بود. صالح دیلان تحصیلات خود را از حجره مسجد شیخ بابیه علی و دیستان خالدیه آغاز کرد و سپس سیکل اول متوسطه به تحصیل ادامه داد. وی سیر در دستگاه دولتی استخدام شد و مشاغل متنوعی را عهده‌دار گردید. از آنجا که دارای بهره‌گیری و ادبی بوده، تحت ارشاد پدر و نیز تاثیرات شعری شاعرانی همچون مولوی، سالم، سره‌میرده حمیدی، گوران، محوی و بزرگان شعر پارسی همچون حافظ، سعدی و نظامی به سرودن شعر روی آورد. وی اولین شعر خود را در سال ۱۹۵۰ در زندان استان کورت عراق سرود.

صالح دیلان به جرم میهن پرستی و تلاش در راه صلح و بخاطر محتوای ترمیخواهانه اشعارش طی سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۶ چندین بار دستگیر و زندان افکنده شد. دیلان در اشعارش در همان حال که برای کرد و کردستان اشک می‌ریخت و به میهن، تاریخ، مظاهر و سنن مقدس ظقش فخر می‌ورزید، به همدردی و همستگی میان ظقهای تحت ستم جهان توجه کافی می‌دول میداشته به همین دلیل است هنگامی که دیوان اشعار صالح دیلان را می‌خوانیم خروش آزادیخواهی با تریس لوموسا و بزواک بکار طلق گواتمالا و فریاد ساهوستا

قلمی در عرصه نویسندگی، کاکه‌ی فلاح علاوه بر جنبه‌های مطرح شده در طی ۴ سال حساب "روزنامه زین"، سوزدها و مطالب تحقیقی متنوعی درباره شعر و ادبیات کوردی در محافل و مراسم ویژه و نیز در روزنامه‌ها و مجلات کوردی منتشر نموده است. یکی از متون تحقیقی وی تحت عنوان "کاروان شعر نو کوردی" تا کنون دوباره چاپ رسیده است. کاکه‌ی فلاح علاوه بر حب و نشر اکثر نوشته‌های خود که عمدتاً شعر و داستان - شعر برای کودکان ترجمه و تطبیق می‌باشند، چند اثر به چاپ نرسیده، ادسای شاعران کورد را با هزینه خود چاپ و منتشر نموده و بدین ترتیب آنها را از خطر نابودی نجات بخشیده و با روزنامه‌ها و مجلات قدیمی استخراج کرده و بر از نوشتن پیشگفتار آنها را بصورت کتاب چاپ کرده است.

* * *

هنوز يك ماه از مری کاکه‌ی فلاح سری نشده بود که هنرمند بر آوازه، صالح دیلان نیز با کردستان وداع گفت، و در ۶ آبانماه امسال - ۲۸ اکتبر ۱۹۹۰ میلادی - در سن ۶۳ سالگی برای اند چشم بر هم نهاد. وی در سال ۱۹۲۷ میلادی در خانواده‌ای مذهبی در مطبه، گویزه شهر

احمد شاملو

افق روشن

بخاطر آخرین حرف ، دنبال سخن نگردی .

روزی که آهنگ هر حرف ، زندگیت

شامن بخاطر آخرین شعر، رنج جستجوی قافیه نبرم .

روزی که هر لب ترانه شیت

تا کمترین سرود، بوسه باشد .

روزی که تو بیاشی ، برای همیشه بیاشی

و مهربانی با زیبایی یگان شود .

روزی که مادوباره برای کیوتراهیمن دانسه

بریزیم

ومن آن روز را انتظار می کشم

حتی روزی

که دیگر

نباشم .

روزی مادوباره کیوتراهیمن را پیدا خواهیم کرد
و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت .

روزی که کمترین سرود، بوسه است

و هراسان

برای هر انسان

برادریست .

روزی که دیگر انسان حماسه نیست

و هر شمشیر

تیغه گاو آهنی شده است

روزی که دیگر درهای خانه شان را نمی بندند .

قفل ، افسانه شیت

و قلب

برای زندگی بس است .

روزی که معنای هر سخن، دوست داشتن است تا تو

بقیه از صفحه ۶

ملل متحد بادوبار سفر به ایران و تحقیقات خود نقص
حقوق انسان از سوی حاکمیت آخوندی را مورد تأیید
قرار داده اند باید دید که حکومت اسلامی باز هم تا کی
خواهد توانست با ریاکاری و تشبثات عوام فریبانه
از زیر بار آن شانه خالی کند ؟

پیروزی باد

جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد



مبارزه ضد استکباری به شیوه آخوندها!

بقیه از صفحه ۱۰

رابطه باشند؟

واقعیت انکارناپذیر این است که نه ساله گروگانگیری در روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ نتوانست یک ضربه واقعی ضد امپریالیستی از سوی رژیم آخوندی باشد و نه شمارهای سرمایه و اساس وجار و جنجالهای چندساله گذشته هیچ آدم فهیمی را در این رابطه دچار توهم و دودلی کرده و می‌کند. منای فکری و برنامه ریزهای اقتصادی!! سیاستهای اعمال شده رژیم در سطح داخلی و خارجی و

بالاخره دشمنی آشفتنی ناپذیر آخوندها با آزادی و دموکراسی و حق تعیین سرنوشت طاقها عملاً عملکردهایی در جهت همویی هرچه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی با "دنیای استکباری" و "شیطان بزرگ" می‌باشند.

بازدهمین سالروز ۱۳ آبان روز به گروگان گرفتن اعضای سفارت آمریکا در تهران و بقول رژیم "روز ملی مبارزه با استکبار جهانی" استکبارانه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا هنگامی آغاز شده است که

علیرغم مخالفتهای شدید بخشی از دست اندرکاران حکومتی و نمایندگان مجلس و اختلافات بسیار جناحها بر این مساله قدرتمنداران حاکم راه خود را تعیین کرده و بخشی از آنرا بیموده اند. راهی که انتهایش دروازه های "دنیای استکبار" را بر جمهوری اسلامی ایران می‌گشاید. دنیایی که رسیدن به آن مدتها است سرلوحه برنامه جناح حاکم قرار گرفته است.

رفقا! در توزیع و پخش هر چه بهتر کوردستان بکوشیم

وادیومهای کوردستان ایران

همه روزه: به دو زبان کردی و فارسی

سوج کوناه
ردیفهای ۴۱،۴۹،۷۵ متر

- * برنامه اصلی از ساعت ۱۲:۳۰ الی ۲ بعد از ظهر،
- * عین همین برنامه از ساعت ۸ الی ۹:۳۰ شب،
- * برنامه کردی روز بعد از ساعت ۷ الی ۸ صبح پخش می‌گردد.

کک های مالی خود را در خارج از کشور به حزب دمکرات کوردستان ایران به حساب بانکی زیر واریز نمائید:

C.C.P. PARIS 60040 M020
FRANCE

وین بانکی آن را به آدرس آدرس پست نمائید:

A.F.H. B.P. 102 . 75623 PARIS
CEDEX 13 FRANCE